

سفر ترامپ و معادلات ایران

سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به کشورهای عربی خلیج فارس (عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی) که از روز دوشنبه آغاز شده، نقطه عطفی در دیپلماسی منطقه‌ای است که ایران را به محور اصلی تحولات تبدیل کرده است. این سفر که با تمرکز بر قراردادهای اقتصادی، فروش تسلیحات و هم‌زمان با ادامه مذاکرات هسته‌ای با تهران انجام می‌شود، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه است.

مهدی بازرگان: سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به کشورهای عربی خلیج فارس (عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی) که از روز دوشنبه آغاز شده، نقطه عطفی در دیپلماسی منطقه‌ای است که ایران را به محور اصلی تحولات تبدیل کرده است. این سفر که با تمرکز بر قراردادهای اقتصادی، فروش تسلیحات و هم‌زمان با ادامه مذاکرات هسته‌ای با تهران انجام می‌شود، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه است. به باور برخی ناظران اگرچه موضوعات عربی - آمریکایی می‌تواند محور حضور ترامپ در کشورهای حوزه خلیج فارس باشد، اما مباحث مربوط به ایران از پیشرفت‌های هسته‌ای تا وزن تهران در ژئوپلیتیک منطقه باعث شده ایران هم به نحوی در مرکز معادلات سفر ترامپ قرار گیرد.

سایه مذاکرات بر حضور ترامپ

سفر ترامپ به ریاض، دوحه و ابوظبی در حالی انجام می‌شود که مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا در چهار دور اخیر (مسقط و رم، آوریل-می ۲۰۲۵) پیشرفت‌هایی داشته است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، این مذاکرات را «جدی و سازنده» توصیف کرده و دور پنجم که احتمالاً در اواخر می ۲۰۲۵ برگزار می‌شود، قرار است چارچوبی برای توافق تدوین کند. طبق گزارش الجزیره، ایران پیشنهاد کاهش غنی‌سازی اورانیوم از ۶۰ درصد به ۳.۶۷ درصد را در ازای لغو تحریم‌ها و دسترسی به دارایی‌های بلوکه‌شده (حدود ۱۰۰ میلیارد دلار) مطرح کرده است. این پیشنهاد نشان‌دهنده انعطاف دیپلماتیک ایران است که با هدف احیای توافقی مشابه برجام پیش می‌رود.

با این حال طرف مقابل، سیاست خارجی سینوسی و ابهام دیپلماتیک را در دستور کار دارد. از یک سو ترامپ و استیو ویتکاف، نماینده‌اش به تداوم مذاکرات امیدوار هستند و در سوی دیگر گفت‌وگوها با فشارهای اسرائیل به یک حالت شکننده و حساس رسیده است. در سایه همین فشارها بود که مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا اخیراً با ادعای «گسترش برنامه هسته‌ای ایران»، تحریم‌های جدیدی علیه سه فرد و یک نهاد ایرانی اعمال کرد. این ادعاها که به غنی‌سازی ۶۰ درصدی ایران استناد می‌کند، در حالی مطرح شده که گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) در نوامبر ۲۰۲۴ تأیید می‌کند ایران هیچ تخلفی از معاهده منع اشاعه (NPT) نداشته است. ایران بارها تأکید کرده برنامه هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است و فتوای رهبر انقلاب تولید سلاح هسته‌ای را ممنوع کرده است.

ترامپ در سخنرانی ۱۰ می ۲۰۲۵ (بیستم اردیبهشت) اظهار کرد که در موضوع ایران «تحولات خوبی در حال رخ دادن است»، اما تهدید به اقدام نظامی در صورت شکست دیپلماسی کرده است. این دوگانگی با برکناری مایکل والتز، مشاور امنیت ملی تندروی آمریکا، پیچیده‌تر شده و نشان‌دهنده سردرگمی در سیاست خارجی واشنگتن است. ایران با تکیه بر توانمندی‌های هسته‌ای در مذاکرات توانسته روی خطوط قرمز خود (توقف چرخه غنی‌سازی) ایستادگی کند. گزارش ۱۱ می ۲۰۲۵ رویترز نشان می‌دهد که این پیشرفت‌ها ایران را تنها یک گام فنی تا غنی‌سازی ۹۰ درصدی (سطح تسلیحاتی) قرار داده، اما تهران آگاهانه از این خط عبور نکرده است.

تغییر نگرش کشورهای خلیج فارس؛ از تقابل به تنش‌زدایی

اهمیت موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران به موازات سایه سنگینی که بر سفر ترامپ به منطقه دارد، باعث شده کشورهای خلیج فارس که در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ (۲۰۱۷-۲۰۲۱) از سیاست فشار حداکثری علیه ایران حمایت می‌کردند، اکنون رویکردی محتاطانه‌تر اتخاذ کنند. تجربه جنگ یمن و معادلات جدید منطقه سبب شده به گفته فارنافرز این کشورهای عربی با محوریت عربستان و امارات به «جبهه ضدجنگ» تبدیل شوند و از توافق هسته‌ای با ایران پشتیبانی می‌کنند.

عربستان سعودی، تحت رهبری محمد بن سلمان، از سال ۲۰۲۳ با میانجی‌گری چین روابط خود با ایران را بهبود بخشیده است. طبق گزارش العربی الجدید، ریاض در این فصل تازه مناسبات با تهران بی‌میل نیست که در مذاکرات هسته‌ای نقش میانجی را ایفا کند.

سعودی‌ها هم‌زمان به تیم ترامپ فشار می‌آورند تا از تنش نظامی اجتناب کند. امارات که در سال ۲۰۲۴ توافق تجارت آزاد با ایران را امضا کرد نیز حمایت جدی از ثبات منطقه‌ای را در دستور کار دارد. در این بین قطر‌ها نیز طی ادوار مختلف نقش میانجی را ایفا کرده و اکنون حامی میزبانی مسقط از مذاکرات هستند. از این‌رو دوحه نیز نقش کلیدی در تسهیل گفت‌وگوهای ایران و آمریکا دارد. این تغییر نگرش که ناشی از درک آسیب‌پذیری کشورهای خلیج فارس در برابر ایران است، به تهران فرصت داده تا نفوذ دیپلماتیک خود را تقویت کند.

با توجه به همین نکات، مذاکرات هسته‌ای کنونی نه تنها برای ایران، بلکه برای ثبات منطقه‌ای اهمیت استراتژیک دارد. البته ایران در مذاکرات بر سه اصل تأکید دارد که شامل «حفظ غنی‌سازی، عدم مذاکره درباره برنامه موشکی و تضمین پایبندی آمریکا به توافق» می‌شود. پیشنهاد کاهش غنی‌سازی به ۳.۶۷ درصد و پذیرش نظارت آژانس نشان‌دهنده انعطاف دیپلماتیک است. عراقچی در مصاحبه‌ای تأکید کرد «تضمین‌های محکم» برای جلوگیری از تکرار خروج آمریکا از توافق، اولویت ایران است.

با این حال، تهدیدات اسرائیل و تحریم‌های جدید آمریکا مذاکرات را شکننده کرده است. اسرائیل که ایران را تهدیدی وجودی می‌داند، مرتب بر تهدید به حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران یا پیاده‌سازی مدل لیبی در مذاکرات تهران - واشنگتن تأکید دارد. اما گزارش فایننشال تایمز بر این نکته اذعان دارد که شکاف بین آمریکا و اسرائیل عمیق‌تر شده، زیرا واشنگتن مهار هسته‌ای را کافی می‌داند، اما تل‌آویو خواستار تغییر رژیم است. نظرسنجی دانشگاه مریلند (۵ می ۲۰۲۵) نشان می‌دهد ۶۹ درصد آمریکایی‌ها، از جمله ۶۴ درصد جمهوری‌خواهان، توافق مذاکره‌شده را به اقدام نظامی ترجیح می‌دهند که به ایران فضایی برای دیپلماسی می‌دهد.

ایران در کانون معادلات

اکنون که ترامپ در منطقه به سر می‌برد، لاجرم باید فکری برای مدیریت مناسبات عربی و تهران بکند. چراکه ایران نه تنها در مذاکرات هسته‌ای، بلکه در مناسبات منطقه‌ای نیز نقش محوری دارد. تنش‌زدایی با عربستان و امارات، همکاری با قطر و میانجی‌گری در بحران‌هایی مانند یمن، جایگاه ایران را تقویت کرده است. بنابراین رئیس‌جمهور آمریکا نمی‌تواند فضای جدید منطقه و وزن تهران را در معادلات سفرش کنار بگذارد. جالب اینجاست که اندیشکده کوئینسی در

گزارشی تأکید می‌کند ایران از مناسبات منطقه‌ای بعد از هفتم اکتبر به نفع تقویت روابط با همسایگان استفاده کرده است.

برخلاف اسرائیل که با حملات به غزه و تهدید ایران به دنبال بی‌ثباتی است و اکنون در سطحی از انزوا با کشورهای عربی و همچنین گسل با ایالات متحده به سر می‌برد، ایران از ثبات منطقه‌ای حمایت می‌کند. مواضع مکرر ایران که بر آتش‌بس پایدار در غزه و تشکیل کشور فلسطین تأکید دارد، با مواضع عربستان هم‌راستا است. این هم‌گرایی که در اجلاس سران عرب در ریاض (نوامبر ۲۰۲۴) تقویت شد، نشان‌دهنده پتانسیل ایران برای حضور جدی‌تر در نظم جدید منطقه‌ای است. ایران همچنین با حمایت از آتش‌بس در یمن و میانجی‌گری منطقه‌ای تاکنون نقش سازنده‌ای ایفا می‌کند.

اهداف اقتصادی ترامپ و تأثیر بر ایران

سفر ترامپ با تمرکز بر قراردادهای اقتصادی، از جمله فروش ۱۰۰ میلیارد دلار تسلیحات به عربستان و جذب سرمایه‌گذاری‌های منطقه (۶۰۰ میلیارد دلار از عربستان و ۱۰۴ تریلیون دلار از امارات)، انجام شده است. گزارش فایننشال‌تایمز تأیید می‌کند که حضور و دیدار مدیران ارشد آمریکایی، از جمله ایلان ماسک و مارک زاکربرگ، در نشست سرمایه‌گذاری آمریکا-عربستان با بن سلمان و سایر مقامات عربی که بر فناوری، هوش مصنوعی و انرژی متمرکز است، خبر از نوعی تغییر نگاه و رفتار می‌دهد. ترامپ به دنبال کاهش قیمت نفت برای اقتصاد آمریکاست، اما این به ضرر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و به نفع ایران است، زیرا تهران با تولید نفت محدودتر، از قیمت‌های بالاتر سود می‌برد.

گزارش بلومبرگ تصدیق می‌کند که عربستان به دلیل پروژه‌های داخلی مانند نئوم، قادر به تحقق وعده‌های سرمایه‌گذاری نیست که نفوذ اقتصادی آمریکا را تضعیف می‌کند. در مقابل، ایران با توسعه بندر چابهار و کریدور شمال-جنوب، به مرکز تجارت منطقه‌ای تبدیل شده است. توافق تجارت آزاد با هند و چین در سال ۲۰۲۴ وابستگی ایران به غرب را کاهش داده و به تهران امکان داده تا در برابر تحریم‌های جدید مقاومت کند. در این بین اخبار و گزارش‌هایی دال بر پیشنهاد ایران به طرف آمریکایی در جریان مذاکرات هسته‌ای برای سرمایه‌گذاری، می‌تواند دست پرتری را برای تهران به ارمغان آورد.

نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی

کشورهای حوزه خلیج فارس، خاصه عربستان و امارات، به سمت تغییر پارادایم‌های خود در عرصه سیاست خارجی منطقه‌ای و به ویژه در مواجهه با تهران رفته‌اند. ریاض که در برهه‌ای میزبان مذاکرات آمریکا و روسیه بود، اکنون از تنش‌زدایی با ایران هم حمایت می‌کند. قطر، با میانجیگری بین اسرائیل و حماس، به آزادسازی گروگان‌ها کمک کرده است. امارات نیز با تجارت آزاد با ایران، به ثبات منطقه‌ای کمک می‌کند. گزارش العربی الجديد (۹ می ۲۰۲۵) نشان می‌دهد این کشورها از توافق هسته‌ای حمایت می‌کنند با این هدف که تداوم و تقویت ثبات منطقه‌ای به اجرائی‌شدن اهداف تجاری و نیز توافقات با ترامپ منجر شود.

در این بین روسیه و چین، به‌عنوان حامیان ایران، از احیای برجام حمایت می‌کنند. روسیه پیشنهاد کرده اورانیوم غنی‌شده ایران را نگهداری کند که می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد. در مقابل، اسرائیل با حمایت از حملات به غزه و تهدید ایران، به دنبال بی‌ثباتی است. آمریکا با سیاست‌های متناقض، بین دیپلماسی و تهدید نظامی در نوسان است. گزارش فارن‌افرز نشان می‌دهد که برکناری والتز نشانه هرج‌ومرج در دولت ترامپ است.

در این میان، اروپا بازی متفاوتی دارد. درحالی‌که مذاکرات تهران و واشنگتن در جریان است، تروئیکای اروپایی عضو برجام با تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه، مسیر دیپلماتیک خطرناکی را پیش می‌برند. شاید از یک منظر، واشنگتن به دنبال تقسیم وظایف با اروپا، ذیل نقش پلیس خوب و پلیس بد باشد یا کاخ سفید با حفظ اهرم مکانیسم ماشه در دست اروپا، چندان بی‌میل به تشدید فشار روی تهران نباشد، اما خروجی آن به سود هیچ‌کدام از طرف‌ها نخواهد بود و صرفاً تصاعد تنش را به دنبال دارد.

سفر ترامپ و معادلات جدید جمهوری‌خواهان برای ایران

سفر ترامپ فرصتی برای ایران است تا از شکاف‌های بین آمریکا، اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس بهره‌برداری کند. در سناریوی خوش‌بینانه، دور پنجم مذاکرات به توافق منجر می‌شود که تحریم‌ها را لغو کرده و اقتصاد ایران را احیا می‌کند. این توافق، با کاهش خطر جنگ و تقویت روابط ایران با همسایگان، نظم منطقه‌ای جدیدی را شکل می‌دهد که تهران هم می‌تواند وزنی جدی در آن پیدا کند. حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس از دیپلماسی، همان‌طور که برنارد هیکل در پرینستون اشاره کرد، به ایران اهرم فشار بیشتری می‌دهد.

در سناریوی بدبینانه، فشارهای اسرائیل و تندروهای آمریکایی مانند روبیو می‌تواند مذاکرات را به شکست بکشاند. با این حال، انعطاف ایران در مذاکرات و حمایت افکار عمومی جهانی از دیپلماسی، احتمال درگیری نظامی را کاهش داده است. گزارش اندیشکده کوئینسی نشان می‌دهد که ۶۴ درصد جمهوری‌خواهان آمریکایی توافقی را ترجیح می‌دهند که فضایی برای دیپلماسی باز می‌کند. ایران، با تکیه بر توانمندی‌های هسته‌ای، اقتصادی و دیپلماتیک، در موقعیت قوی‌تری نسبت به دوره اول ترامپ قرار دارد.

تهران همچنین می‌تواند از تداوم و موفقیت در مذاکرات برای تقویت جایگاه جهانی خود استفاده کند. بنابراین اگرچه سفر دونالد ترامپ به خلیج فارس، با اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی آمریکا تعریف شده، اما هم‌زمان در بطن خود، ایران را به کانون دیپلماسی تبدیل کرده است. تهران با پیشرفت‌های هسته‌ای، دیپلماسی فعال و حمایت رو به رشد کشورهای حوزه خلیج فارس، در مذاکرات هسته‌ای و مناسبات منطقه‌ای دست بالا را دارد. مذاکرات کنونی که با میانجی‌گری عمان و حمایت عربستان، امارات، قطر و... پیش می‌رود، فرصتی برای رفع تحریم‌ها و تقویت جایگاه ایران است.